



## فهرست مطالب

۹	مقدمه.....
۱۳	پرکاهی تقدیم به آستان الهی.....
۱۴	می خواست مطرح نشود.....
۱۵	مهم نیست برادر!.....
۱۸	خودش بود.....
۱۹	چوپان گله‌ها.....
۲۰	عکس یادگاری با فرمانده.....
۲۲	آفتابه‌ها را بُر می‌کرد!.....
۲۳	ساده و صمیمی.....
۲۴	اوّل غذای بچه‌ها.....
۲۵	شما را کجا می‌توانیم ببینیم؟.....
۲۷	من یک بسیجی‌ام، همین!.....
۲۹	چفیهی من.....
۳۱	ادای احترام.....
۳۲	خدمت کوچکی کردم!.....
۳۵	قوطی‌های خالی را جمع می‌کرد!.....
۳۷	همه‌ی ما بسیجی هستیم.....

- ۴۱ ..... یک نیروی عادی.....
- ۴۲ ..... باید یکی ظرفها را بشوید!
- ۴۳ ..... نشست پشت لودر.....
- ۴۴ ..... شفاهی هم می‌شد اعلام کنید!
- ۴۵ ..... اشکالی ندارد.....
- ۴۷ ..... چه کاره‌ای؟.....
- ۴۸ ..... برو آخر صف!
- ۵۰ ..... خدمت برای اسلام.....
- ۵۲ ..... بفرمایید، امری دارید؟.....
- ۵۴ ..... جریمه‌ی تأخیر.....
- ۵۵ ..... دیگ بزرگ.....
- ۵۷ ..... هر کاری می‌توانست، انجام می‌داد.....
- ۵۸ ..... پوتین‌های بی‌واکس.....
- ۶۰ ..... بیا برویم، خودم درستش می‌کنم!
- ۶۲ ..... به عنوان یک شهروند.....
- ۶۴ ..... اخلاق و افتادگی.....
- ۶۶ ..... نه برادر، نمی‌شود!.....
- ۶۸ ..... لباس همه را شسته بود!
- ۶۹ ..... فیلم چند دقیقه‌ای.....
- ۷۰ ..... این‌ها را من می‌برم!
- ۷۱ ..... می‌ارزید دو تا مشت بخوریم!
- ۷۴ ..... در عین ناباوری.....
- ۷۵ ..... در صف غذا!.....
- ۷۶ ..... خود را برتر نمی‌دانست.....
- ۷۷ ..... تو رانشناختم!.....
- ۸۱ ..... دور از چشمان ما.....

- ۸۲.....پارو کردن برف‌ها در نیمه شب.....
- ۸۳.....مثل یک سرباز.....
- ۸۴.....بی ادعا.....
- ۸۶.....راز پوتین‌های واکس زده.....
- ۸۷.....سرم را اصلاح کن.....
- ۸۹.....خدا، قبول کند.....
- ۹۰.....خیلی متواضع بود.....
- ۹۱.....به همه احترام می‌گذاشت.....
- ۹۲.....لیخند همیشگی.....
- ۹۵.....خودش را معرفی نکرد.....
- ۹۶.....خودم این طور خواستم.....
- ۹۸.....نیامده‌ام ریاست کنم.....
- ۹۹.....پیشاپیش کارگران.....
- ۱۰۱.....تمیز کردن خیابان‌ها!.....
- ۱۰۲.....افتخار می‌کنم بیل دستم گرفتم.....
- ۱۰۳.....شهردار کجاست؟.....
- ۱۰۵.....برای کار آمده‌ام نه ریاست!.....
- ۱۰۶.....زدم دنده چهار!.....
- ۱۰۷.....پوتین گلی.....
- ۱۰۸.....شهردار جدید.....
- ۱۱۲.....خدمتکار مردم هستم.....
- ۱۱۴.....نگهبانی.....
- ۱۱۸.....درباره‌ی کارهایش هیچ چیز نمی‌گفت.....
- ۱۱۹.....عاشق گمنامی.....
- ۱۲۱.....نمی‌گذاشت شغلش را بدانم!.....
- ۱۲۸.....نیاز به محافظ ندارم.....

۱۲۹	چشم، الآن می آیم .....
۱۳۰	به شما اقتدا می‌کنم! .....
۱۳۱	پوتین‌ها را شبانه تمیز می‌کرد .....
۱۳۳	بی‌قید و بند نسبت به عناوین .....
۱۳۴	من در آشپزخانه سیب‌زمینی پوست می‌کنم! .....
۱۳۵	همه‌ی نوارها و عکس‌هايش را جمع کرد .....
۱۳۸	تک‌تیرانداز .....
۱۳۹	فقط یک بسیجی .....
۱۴۰	به دور از ریا .....
۱۴۱	مجدوب .....
۱۴۲	دوری از نخوت و تکبر .....
۱۴۳	از بسیجی ساده هم ساده‌ترم! .....
۱۴۴	توالت عمومی درست می‌کرد .....
۱۴۵	پا به پای دیگران .....
۱۴۷	امروز نوبت به ظرفشویی اوست .....
۱۵۰	آبرسانی .....
۱۵۱	خاک بر سر من! .....
۱۵۳	منابع .....



## مقدمه

از همه‌ی مردم بهتر کیست؟

رسول اعظم بهترین مردم را کسی معرفی می‌کند که:

- در حال رفعت و بلندپایگی، فروتنی و تواضع کند.
  - در عین ثروتمندی، زاهد باشد.
  - در عین قوّت و توانایی، مُنصف باشد.
  - در عین قدرت، شکیبایی و بردباری کند. (۱)
- تواضع مایه‌ی رفعت و بلندی و عزّت انسان است. تواضع، حکمت را افزایش می‌دهد، در حالی که تکبر آن را کاهش می‌دهد. با خادم غذا خوردن، با فقیران نشستن و با زیردست رفتار مهربانانه داشتن، از تواضع است. (۲)
- خداوند تبارک و تعالی، یکی از ویژگی‌های بندگان خاصّ خود را تواضع و فروتنی به هنگام راه رفتن و

---

۱- نهج الفصاحه.

۲ - رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه و آله)، نهج الفصاحه.

پاسخ با سلامت نفس به مردم جاهل می‌داند. (۱) و نیز به مؤمنان از زبان لقمان حکیم توصیه می‌فرماید که: هرگز به تکبر و ناز از مردم رخ برمتاب و در زمین با غرور و تکبر قدم برمدار که خداوند هرگز مردم متکبر و خودستا را دوست نمی‌دارد. (۲)

تواضع در برابر تکبر و فروتنی در برابر غرور است. متکبر و مغرور نه خود را می‌شناسد و نه خدا را، اگر می‌شناخت یقیناً به هیچ چیزی متکی نمی‌شد، الا به فضل و رحمت و بزرگی خدا. نه علم، نه ثروت، نه قدرت، نه پُست و مقام، نه زیبایی و جمال و نه هر آنچه انسان می‌تواند کسب کند، هیچکدام ماندگار نیست. اگر در دل انسان ریشه نکند و با تقوای الهی ممزوج نگردد، نتیجه‌ی عکس هم می‌دهد؛ یعنی حجاب می‌شود در برابر چشم و گوش دل انسان. حجاب روی حجاب. تاریکی فوق تاریکی.

متواضع و فروتن، می‌داند که هرچه دارد از خداست و او دوست ندارد که دیگر بندگانش بواسطه‌ی نداری یا ناتوانی و یا زبردست بودن، تحقیر شوند. فروتنی و تواضع یعنی احترام کردن و نگهداشتن حرمت بندگان خدا و خود را به رُخ نکشیدن و فخر نکردن،

---

۱ - سوره‌ی فرقان، آیه‌ی ۶۳.

۲ - سوره‌ی لقمان، آیه‌ی ۱۸.

خدا این صفت را بسیار دوست دارد. به همین خاطر است که رسول خدا او را بهترین مردم می‌شناسد. رزمندگان، در عین شجاعت، در عین قدرت، در عین داشتن مقام و فرماندهی، در عین محبوبیت و مقبولیت بزرگ مردمی، با همه‌ی ایشار و فداکاری، فروتن بودند و خاکی؛ با همه رفیق بودند و همراه و برادر؛ مهربان بودند و با محبت. شبها، در تاریکی، بدون آنکه شناخته شوند، ظرفها و رختها را می‌شستند و کفش‌ها را واکس می‌زدند. در برابر مقررات، خود را با گمنام‌ترین بسیجی‌ها یکسان می‌دیدند. در عین جدی بودن و فرماندهی، شکیباً بودند و عذرپذیر، در قضاوت بین خود و زیردستان، منصف بودند و با عدالت. دقت داشتند که مقام و مسؤولیت آنان را مقهور خود نسازد. بلکه آنان مقام و مسؤولیت را در چنگ خود داشته باشند. به طوری که بیشتر افراد حتی اعضای خانواده‌شان، نمی‌دانستند آنان چه کاره‌اند. خود را بنده‌ی خدا، خدمتگزار بسیجی‌ها، خادم مردم، سرباز امام، یاور محرومان و افتادگان می‌دانستند، نه بیشتر، و این اوج تواضع و فروتنی بود و زیر پا گذاشتن ذره‌های غرور و تکبر و خودپسندی و خودبینی. اگر جز این بود، فضل بزرگ شهادت و جانبازی در راه خدا نصیبشان

نمی‌شد.

این خاطره‌ها بخش کوچکی است از بزرگی متواضعان و فروتنان جبهه‌های دفاع حق علیه باطل، که انسان در برابر آنان احساس کوچکی واقعی می‌کند. و این است معنای آن چه رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند که: تواضع مایه‌ی رفعت است، تواضع کنید تا خدا شما را بزرگ کند و رفعت بخشد. (۱)

مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت